روزنامه شهروند

فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی

www.shahrvand-newspaper.iir

صاحب امتیاز: جمعیت هلال احمر

مدیر مسئول: عبدالرسول وصال

سردبیر: سید افشین امیرشاهی

نشانی: تهران، فلکه دوم صادقیه ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴

کدپستی: ۱۴۸۳۷۷۸۶۱۷

فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰

تلفن: ۷-۴۴۹۵۶۱۰۱

چاپ: روزناب

توزیع: شرکت نشر گستر امروز

تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

تلفن سازمان آگهی ها: ۲-۴۴۹۵۶۲۰۰

فکس: ۴۴۹۵۶۲۰۳

صفحه آخر

اوقات شرعی:

|اذان صبح: ۴:۱۷:۱۴ |طلوع آفتاب: ۵:۵۶:۴۲|

|اذان ظهر: ۱۳:۰۰:۵۱ |غروب آفتاب: ۲۰:۰۵:۰۰|

|اذان مغرب: ۲۰:۴۵:۱۳|

این شرح بی‌نهایت...

به کوچکی گناه نگاه نکنید بلکه به نافرمانی خدا که بر آن جرأت یافته‌اید، بنگرید.

حضرت محمد(ص)

گنج پنهان

گرد میخانه دل به جان گردید
همچو رندان به جان روان گردید
گرچه مخمور بود مستی شد
این چنین بود آنچنان گردید
گرد کنج خراب گشت بسی
گنج پنهان برا و عیان گردید
تا نشانی ز بی‌نشان یابد
نام را ماند و بی‌نشان گردید
لطف معشوق ما کرم فرمود
مونس جان عاشقان گردید
قسم علم بدیع را خواندیم
آن معانی به ما عیان گردید
در مقامی که نعمت‌الله است
گرد آن در کجا توان گردید

شاه‌نعمت‌الله‌ولی

تقویم تاریخ

رخداد

- **انتصاب نایلئون بناپارت** به امپراتوری فرانسه، با تصویب سنای این کشور (۱۸۰۴ میلادی)
- **تأسیس فرهنگستان ایران** به ریاست محمدعلی فروغی، ادیب، سخن‌شناس، تاریخ‌دان، سیاستمدار، نماینده مجلس و نخست‌وزیر ایران (۱۳۱۴ خورشیدی)
- **شکستن دیوار صوتی** توسط **ژاکلین کوچران**، خلبان نیروی هوایی آمریکا با یک جت جنگنده از نوع اف-۸۶ با سرعتی معادل ۱۰۵۰ کیلومتر برای نخستین‌بار (۱۹۵۳ میلادی)
- **انجام عملیات موفقیت‌آمیز آزمایش سلاح هسته‌ای** هند با نام لبخند بودا و ورود این کشور به باشگاه کشورهای دارای سلاح هسته‌ای (۱۹۷۴ میلادی)
- **اعلام استقلال قسمت شمالی سومالی** با نام سومالیلند و رد این موضوع از طرف مجامع جهانی (۱۹۹۱ میلادی)
- **پایان ۲۶ سال جنگ داخلی در سریلانکا**، با شکست شورشی‌های ببرهای تامیل مقابل قوای دولتی (۲۰۰۹ میلادی)

طلوع

- **برتراند راسل**- فیلسوف، منطق‌دان، ریاضیدان، مورخ، جامعه‌شناس و فعال صلح‌طلب بریتانیایی، صاحب آثاری چون: درباره دلالت، مسائل فلسفه، عدالت در هنگام جنگ (۱۸۷۲ میلادی)
- **دکتر محمد مصدق**- سیاستمدار، حقوقدان، نماینده چند دوره مجلس شورای ملی و دو دوره نخست‌وزیر، از رهبران اصلی نهضت ملی کردن نفت ایران (۱۲۶۱ خورشیدی)
- **فرانک کاپرا**- کارگردان، تهیه‌کننده و نویسنده سرشناس ایتالیایی-آمریکایی و برنده ۳ اسکار بهترین کارگردانی (۱۸۹۷ میلادی)

غروب

- **پی‌یر بومارشه**- نمایشنامه‌نویس، مخترع، موسیقیدان، دیپلمات و انقلابی فرانسوی - آمریکایی قرن هجدهم میلادی (۱۷۹۹ میلادی)
- **آیزاک آلبنیس**- آهنگساز و نوازنده پیانو اهل اسپانیا (کاتالونیا)، نماد تولد دوباره موسیقی اسپانیا در اغاز قرن بیستم میلادی، خالق اثاری چون: ایبریا، سوییت اسپانول، یوئم کاتالونیا (۱۹۰۹ میلادی)
- **گوستاو مالر**- رهبر ارکستر و آهنگساز برجسته دوره رمانتیک پسین (۱۹۱۱ میلادی)
- **شارل لاورن**- زیست‌شناس فرانسوی، برنده جایزه نوبل فیزیولوژی و پزشکی در سال ۱۹۰۷ به دلیل مطالعه تک‌یاخته‌گان (۱۹۲۲ میلادی)

شهروَنگ

داستان مرد دانا و مریدان غیردانا

وحید میرزایی
طنزنویس

روزی مرد دانا که به ذکاوت و دانش در شهر شهره بود، در بستر بیماری افتاد. آن‌قدر افتاد که فاصله‌اش تا مرگ به قدر تار مویی بود.

آن شنیدستی که آن پیر مریض
آمد از اوج و فراز رو به حضیض

پیر فرزندانش را گرد خویش جمع کرد به جهت موعظه، پند، اندرز، وصیت و این دست کارهای روتین قبل از مرگ. فرزندان وی، یکی از یکی نفهم‌تر و به غایت ابله اما از حیث هیبت و بزرگی سرشانه‌ها و عضله فیله، دارای شش تِک در جلو و دو پک در عقب بودند طوریکه نافشان هرگز در پیراهنشان نمی‌گنجید. القصه، پیر به هر یک چوبی داد و گفت: «ملک‌الموت به سراغم آمده و عن‌قریب شما را ترک کنم. می‌خواهم وصیت کنم شما را. این چوب‌ها را بشکنید تا درس زندگی را به شما بیاموزم.» فرزند اول شکست. فرزند دوم شکست. فرزند سوم شکست. پیر که گمان نمی‌کرد فرزندان چوب‌ها را بشکنند و پیش‌بینی چنین وضع بغرنجی را نکرده بود، گفت: «الحق بلاهت را تمام کرده‌اید و از این حیث به خر گفته‌اید زکی. چرا چوب‌ها رو شکستید؟ مگر مریضید خب؟» اولی پاسخ داد: «جسارتاً اگه به جامعه پزشکی توهین نمیشه، آره مریضیم، تو دکتری؟» مرد دانا که از گستاخی فرزند قشنگ تسمه تایم پاره کرده بود، گفت «بی‌تربیت! الان چوب‌ها رو شکستید من چی بگم؟ خوب الان نصف مطلب مونده، سنتون هم هنوز تموم نشده. خاک بر سرتان.» و با عصبانیت کولر را خاموش کرد. مرد دانا مستأصل مانده بود و با خود فکر می‌کرد کجای کارش می‌لنگد که در آستانه مرگ هم پیش‌بینی‌هایش غلط از آب درمی‌آید. در همین افکار بود که ناگهان رعشه‌ای گرفت، دهانش کج شد و کف و خون بالا آورد، بالا آوردنی. بله او داشت می‌مرد یا اصطلاحاً به دیار باقی می‌شتافت. حالا آن‌قدر هم که نمی‌شتافت اما خب به هرحال می‌شتافت. فرزندان با دیدن رعشه‌های پدر به تکاپو افتادند چونان حبوبات داخل آبگوشت درحال جوش. چونان نگارنده این مطلب که جلز و ولز می‌کند و زور می‌زند تمثیل بازی دربیاور دبی‌خودی.

هر سه تا ماندند و هم حیران شدند
در حماقت لایق پالان شدند

فرزند اول به طرفه‌العینی موبایل آی‌پدش را درآورد و از لحظات جان دادن پدر فیلم گرفت و با اجازه شیر کرد. فرزند دوم که قطب عالم عکس سلفی بود، بلافاصله لپ خویش را به پیر کف بالا آورده، چسباند، سلفی گرفت. فرزند سوم که از بی‌شعوری هیچ چیز کم نداشت، به سرعت خود را به رایانک مالشی‌اش (تبلت سابق) رسانده و در مدح و ستایش پدر تا جا داشت، پست و استاتوس گذاشت. مخلص این که پس از مردن پیر تازه فضیلت‌های پدر بادش افتاد، درحالی که وقتی حیات داشت، محل اسب به او نمی‌گذاشت. حالا پدر را می‌گویید، مانده بود مثل آدم بمیرد یا به این فکر کند که کجای کارش می‌لنگد که در آستانه مرگ هم پیش‌بینی‌هایش غلط از آب درمی‌آید، اما فرزندان بی‌توجه به افکار پدر، در آخرین لحظات وداع نه چندان تلخی با وی کردند و با تهیه دایسمش با آهنگ «چرا رفتی، چرا من بی‌قرارم؟» تعداد فالوورهای خود را افزایش داده و همزمان از کادر خارج شدند. جدی خاک بر سرشان، مردم همیشه حاضر که از آن‌جا می‌گذشتند- و اصلا معلوم نبود آن جا وسط خانه مرد دانا چه می‌کنند- پس از این که این صحنه‌های دلخراش را دیدند، با هشتک #من عاشق پدرمم، از توجه به والدین و احترام به پیشکسوت تا جا داشت و سرعت اینترنت اجازه می‌داد، عکس‌ها و جملاتی به اشتراک گذاشتند. این درحالی بود که فرزندان مرد دانا با گذاشتن عکسی از دوران شباب پدر، مریدان وی را به دو دسته «مرد دانایی‌ها» و «غیرمرد دانایی‌ها» تقسیم کردند و حاشیه‌سازی‌ها را به غیردانایی‌ها نسبت دادند. به هرحال روحش شاد و یادش گرامی.

دریچه

کم کم بَلَد می‌شویم

مریم سمیع زادگان

می‌گوید: «یک ساعت است دارم نگاهت می‌کنم. می‌خوانی، می‌نویسی، زل می‌زنی به ناخچه، فکر می‌کنی، دوربین‌ات را جلوی چشمت می‌گیری، عکس می‌اندازی، کتابت را ورق می‌زنی، چه آرامشی داری!» لبخند می‌زنم، فقط لبخند می‌زنم. توی دستنوشته‌های قدیمی می‌گردم، با خودم فکر می‌کنم کاش نرفته بود برایش می‌خواندم: «...از یک جایی به بعد آدم یاد می‌گیرد با زخم‌هایش بسازد. با آدم‌ها بسازد. با دوست و دشمنش بسازد، با مرد و نامردش بسازد. با خاطراتش حتی، بسازد. از یک جایی به بعد یاد می‌گیرد آدم دست بینداز دور گردن خودش، دور گردن زندگی با زندگی آشتی کند با خودش مهربان شود. از یک جایی به بعد یاد می‌گیرد زمین خوردن و بلند شدن را این که موقع بلند شدن دستش به زانوی خودش باشد نه شانه دیگری. باد می‌گیرد خودش را گول بزند هی تکرار کند این هم می‌گذرد. از روز اول که آدم بلد نیست این سازش را، بلد نیست سنگ باشد تحمل کند دم نزند کم کم یاد می‌گیرد، بلد می‌شود.»

فوکوس ...

۹۶ سال پیش، برابر با هجدهم ماه می ۱۹۲۰ میلادی، پاپ ژان پل دوم، با نام کارل جوزف ویتوا، در لهستان به دنیا آمد. او در ۱۶ اکتبر ۱۹۷۸ به رهبری کلیسای کاتولیک و حاکم واتیکان برگزیده شد و تا زمان مرگش در ۲ آوریل سال ۲۰۰۵ در این سمت بود. ژان پل دوم نخستین و تنها پاپ اسلاو و لهستانی و نخستین پاپ غیر ایتالیایی بعد از پاپ آدریان ششم هلندی در ۱۵۲۲ میلادی بود. او در کل ۳۱ سال و ۷ ماه و ۲۹ روز در این مقام بود. ژان پل دوم از جمله پاپ‌هایی محسوب می‌شود که بیشترین مدت تصدی این مقام را در تاریخ داشته‌اند. او دویست و شصت و چهارمین پاپ بود. ژان پل دوم یکی از جهانی‌ترین پاپ‌های عصر حاضر بود. به او لقب پاپ خانواده داده بودند. او همچنین به عنوان یکی از پرنفوذترین رهبران سده بیستم میلادی شناخته می‌شود. این باور گسترده وجود دارد که او نقش مهمی در پایان کمونیسم در کشور خود لهستان و به تدریج در اروپا داشته است. ژان پل دوم همچنین در بهبود رابطه کلیسای کاتولیک با اسلام، یهودیت و کلیسای ارتدکس شرقی تاثیر بسزایی داشت. او نخستین پاپ کاتولیک بود که در ششم ماه می ۲۰۰۱ وارد مسجدی در دمشق شد و در آن به نیایش پرداخت.

کارتون شهر

نعیم تدین | کارتونیست | naeemator@gmail.com

نگاه

نمایشگاهی از جنس کتاب

سیدحسین حسینی‌نژاد | آموزگار

اصل نمایشگاه کتاب با همه تأخیرها و بحث‌هایی که به دنبال داشت، در «شهر آفتاب» برگزار شد که مثل هر کار دیگری موافقان و مخالفانی داشت و دارد. یکی می‌گوشد تا آمار بازدیدکنندگان را از سال‌های قبل بیشتر نشان دهد تا سندی بر درستی اصرارش برای جابجایی محل نمایشگاه باشد. دیگری باد و باران و طوفان و دوری مسیر را وسیله‌ای می‌کند تا ضعف مجری را آشکار سازد.

راستش از زمانی که نمایشگاه کتاب از محل قدیمش یعنی خیابان سئول و بزرگراه چمران رفت، رضایتی از محل بعدی‌اش نداشتم؛ چون با آن همه می‌گیرد خودش را گول بزند هی تکرار کند این هم می‌گذرد. از روز اول که آدم بلد نیست این سازش را، بلد نیست سنگ باشد تحمل کند دم نزند کم کم یاد می‌گیرد، بلد می‌شود.»

دارد. از دحام بیش از حد در سالن‌ها دیده نمی‌شود. چیدمان غرفه‌ها مطلوب‌تر از محل قبلی است. از سروصدای اعصاب خردکن بلندگوهایی که مدام تبلیغ ناشران یا کاسبان کمک آموزشی را می‌کردند، دیگر خبری نبود. موسیقی اقوام هم به تلطیف هوا و فضا کمک می‌کردند. می‌شد در کنار میدان بزرگ فرهنگ، عکس یادگاری بگیری و... البته مثل هر کار نوپایی مسائل و مشکلاتی هم دارد که قطعا در سال‌های بعد کمتر می‌شود.

هرچند که مشکل دوری راه همچنان پابرجا خواهد ماند و کاری با آن نمی‌توان کرد مگر افزایش سرویس‌های راحت‌تر برای رفت‌وآمد در این زمینه مترو نقش چشمگیری داشت و دارد. مشکل بعدی که برخی می‌کوشند به دوری نسبتش دهند که به نظر می‌رسد خیلی مرتبط نباشد، فروش کم کتاب است که به نظر نه به اصل برمی‌گردد و نه سال قبل. روندی است که مدت‌هاست در جامعه آغاز شده و روز به روز هم بیشتر خودش را نشان می‌دهد. به شرایط سیاسی و اقتصادی‌مان وابسته است. رابطه‌ای معکوس هم بین بالا نشان دادن آمار بازدیدکنندگان و پایین رفتن فروش کتاب وجود دارد. هرچه آمار را بالاتر می‌بریم، فروش بیشتر کاهش خودش را نشان می‌دهد. حتی توزیع بن کتاب بین مدارس و دانشگاه‌ها هم نتوانسته در بخش کتاب‌های جدی و غیرآموزشی این خلأ را پر کند. قطعا بیش از تبلیغ مستقیم و موهطه، به کارشناسی عمیق و راهکار عملی نیاز داریم؛ آن هم به وسیله نهاد بی‌طرفی که فرهنگ دغدغه‌اش باشد تا بالا نشان دادن آمار.

چیز دیگری که در نمایشگاه خودنمایی می‌کرد و اگر نبود، بهتر می‌شد، حضور پررنگ تبلیغات شهرداری و یکی از بانک‌ها بود. حاصل نزاع‌های پشت پرده به پیروزی شهرداری انجامید، ولی‌ای کاش ظرفیتی وجود داشت که نشان می‌داد این نزاع برسر رفاه و آرامش مردم است تا به رخ کشیدن خود. همه چیز در مملکت ما سیاسی است حتی برگزاری نمایشگاه کتاب که می‌خواهد بر فرهنگ کتابخوانی مردم اثرگذار باشد.

امید که سال آینده نمایشگاهی آماده‌تر و پویاتر در همه ابعاد داشته باشیم.

آب و هوا

اراک ۳۳ / ۱۴	اردبیل ۲۶ / ۱۱	ارومیه ۲۸ / ۱۴	اصفهان ۳۱ / ۱۶	اهواز ۴۶ / ۲۶	ایلام ۳۰ / ۱۳	بجنورد ۲۷ / ۱۰
بندرعباس ۳۸ / ۲۶	بوشهر ۳۵ / ۲۷	بیرجند ۳۱ / ۱۵	تبریز ۲۶ / ۱۳	تهران ۳۵ / ۲۲	خرم‌آباد ۲۹ / ۱۳	زاهدان ۳۴ / ۱۹
زنجان ۲۶ / ۱۰	سنندج ۲۷ / ۱۰	شهرکرد ۲۵ / ۸	قزوین ۲۹ / ۱۲	کرمانشاه ۲۷ / ۹	کرمان ۳۲ / ۱۱	گرگان ۲۷ / ۱۴
رشت ۲۹ / ۱۶	ساری ۳۰ / ۲۰	کرج ۲۷ / ۱۴	شیراز ۳۲ / ۱۶	سمنان ۳۳ / ۲۰	همدان ۲۵ / ۸	قم ۳۴ / ۲۰
مشهد ۲۹ / ۱۶	یاسوج ۲۷ / ۹	یزد ۳۴ / ۲۰	ابوموسی ۳۳ / ۲۸			

ورود سامانه بارشی به کشور

بر اساس تحلیل آخرین نقشه‌های پیش‌یابی هواشناسی، در ساعات بعد از ظهر و اوایل شب امروز تاکی، بارش‌های پراکنده، گاهی رعد و برق و وزش باد شدید موقتی برای مناطق شمال غرب، شمال شرق و برخی مناطق دامنه‌های البرز شرقی و ارتفاعات جنوب و جنوب شرق کشور پیش‌بینی می‌شود.

طی امروز و فردا با ورود سامانه بارشی از شمال غرب و غرب در ساعات بعد از ظهر و اوایل شب بر میزان ناپایداری‌ها افزوده شده که انتظار ابر تاکی، رگبار و رعد و برق و وزش باد شدید موقتی برای شمال غرب، غرب، مرکز، شمال شرق، شرق، جنوب شرق و سواحل غربی دریای خزر و دامنه‌های البرز پیش‌بینی می‌شود.

با احتمال تشکیل توده گرد و خاک بر روی کشور عراق طی امروز و فردا در بعد از ظهر برای استان‌های ایلام و خوزستان، وقوع گرد و خاک، کاهش کیفیت هوا و دید افقی دور از انتظار نیست. همچنین از اواخر وقت امروز و طی فردا افزایش نسبی دما و وزش باد جنوبی برای استان‌های گیلان و اردبیل پیش‌بینی می‌شود.

طی ۳ روز آینده وزش باد شدید و گرد و خاک در مناطق شرق و جنوب شرق کشور رخ خواهد داد. امروز برای استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل، ارتفاعات سمنان و شمال خراسان رضوی، شرق خراسان شمالی بارش باران، گاهی رگبار و رعد و برق پیش‌بینی می‌شود.

آسمان تهران امروز کمی ابری، به تدریج افزایش ابر، اوایل شب رگبار و رعد و برق، گاهی وزش باد شدید با حداکثر و حداقل دمای ۳۵ و ۲۲ درجه سانتیگراد و فردا پنجشنبه نیمه ابری تا ابری، همراه با رگبار و رعد و برق، گاهی وزش باد شدید با حداکثر و حداقل دمای ۳۶ و ۲۲ درجه سانتیگراد پیش‌بینی می‌شود. در شبانه‌روز گذشته اهواز مرکز استان خوزستان با بیشینه دمای ۴۶ درجه سانتیگراد گرم‌ترین و شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری با کمینه دمای ۸ درجه سانتیگراد سردترین شهرهای کشور بوده‌اند.